

بررسی اقتباس در روایت رساله‌الطی‌های فارسی و عربی از منظر پیوند نظریه کنش گفتار جان سرل و بیش‌متنیت ژرار ژنت

سمیرا شفیعی^{۱*}

(دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۶)

چکیده

رساله‌الطی‌ها متونی روایی هستند با محتوای عرفانی و زبان تمثیلی‌رمزی. مسلم است که این دسته از متون با اندکی افزایش، کاهش، تغییر یا جابه‌جایی، تحت تأثیر یکدیگر تألیف شده‌اند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که از میان رساله‌الطی‌های فارسی و عربی، کدام وام‌دار دیگری است و از منظر روایت‌شناسی که علم بررسی کمینه روایت است، چگونه می‌توان به بررسی تأثیر و تأثر این آثار پرداخت. این مقاله با تکیه بر رویکرد روایت‌شناسی از منظر نظریه کنش گفتار سرل و بیش‌متنیت ژنت، با روش تحلیلی - توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای به دنبال بررسی ارتباط میان‌متنی رساله‌الطی‌های فارسی و عربی است. فرض بر آن است که رابطه این متون بیش‌متنی است و راویان متأخر از راویان متقدم به‌طور آگاهانه تأثیر پذیرفته‌اند. برای بررسی این فرضیه‌ها، ابتدا این آثار به پی‌رفت و گزاره تجزیه و پس از آن، پی‌رفت‌های مشابه مشخص شد؛ سپس هر گزاره با علائم اختصاری به‌نمایش درآمد؛ درنهایت با مقایسه ساختار و محتوای گزاره‌های این پی‌رفت‌ها، شباهت‌ها و

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

* shafiee.mjs@gmail.com

تفاوت‌های این رساله‌ها آشکار شد. نتایج حاکی است کاربرد بیش از حد گزاره‌های تصریحی و ترغیبی در این آثار در راستای تصریح و اظهار مطالب ارشادی یا ترغیب روایت‌شنو به مباحث تعلیمی است. با بررسی هفده پی‌رفت مشابه در این آثار به این نتیجه رسیدیم که جز قصیده عینیه که پی‌رفت‌های مشابه بسیار اندکی با سایر رساله‌ها دارد، رساله الطیرهای ابن سینا و محمد غزالی با دو ساختار متفاوت، پیش‌متن فرض شده‌اند. رساله احمد غزالی در مقایسه با رساله محمد غزالی به طرح جزئیات بیشتری پرداخته است. رساله‌های چاچی، عین‌القضات، منطق‌الطیر و کشف‌الاسرار طرح کلی اثر را از رساله محمد غزالی دریافت کرده‌اند؛ اما با ایجاد تغییراتی در پی‌رفت‌ها، اثر خویش را از تقلید کلی نجات داده و صاحب بدعت‌هایی در ساختار روایی آثارشان شده‌اند. رساله سهروردی در قسمت‌های آغازین، بسیار شبیه رساله ابن‌سیناست؛ اما سهروردی نیز با کاربرد پی‌رفت‌هایی متفاوت توانسته اثری خلق کند که در نوع خود بدیع است.

واژه‌های کلیدی: اقتباس، روایت، رساله‌الطیرها، کنش‌گفتار، بیش‌متنیت، سرل، ژنت.

۱. مقدمه

بررسی اثرپذیری متون از یکدیگر و اثرگذاری آن‌ها بر هم از مهم‌ترین مباحث ادبیات تطبیقی و نقد ادبی امروز است. این ارتباط بینامتنی در متون نه‌تنها در تضمین، درج یا برگرفتن بخشی از یک اثر و مضامین و درون‌مایه‌ها جلوه دارد، بلکه در شیوه‌های روایتگری متون نیز دیده می‌شود؛ بنابراین اثرپذیری متون از یکدیگر چه بسا اثرات مستقیم/ غیرمستقیمی بر ساختار روایی آن‌ها داشته باشد.

در حوزه عرفان، یکی از موضوعات مورد توجه صوفیان و عرفای قرون چهارم تا هفتم هجری، بیان سلوک معنوی به‌وسیله داستان سفر مرغان به‌سوی سیمرغ است. رساله‌الطیرها، از زبان طیران، به تلاش روح انسان برای بازگشت

به موطن اصلی در قالب یک داستان با تمامی عناصر روایی حکایت دارند؛ بنابراین حضور عناصر روایی در این متون زمینه بررسی روایت‌شناختی آن‌ها را فراهم می‌آورد.

در بررسی روایت‌شناختی رساله‌الطی‌ها که البته پیشینه چندانی نیز ندارد، به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود:

- ارتباط رساله‌الطی‌ها باهم چگونه است؟

- هر رساله ساختار روایی خود را مدیون چه اثری است و در این راستا هر کدام از چه گشتارها، پی‌رفت‌ها و گزاره‌های مشابه یا متفاوت بهره برده‌اند؟ فرضیه پژوهش این است که ارتباط میان این رساله‌ها بیش‌متنی است و راویان متون متأخر به‌طور آگاهانه از طرح کلی ساختار متون قدیم متأثرند؛ اگرچه خود هیچ اشاره مستقیمی به آن نکرده باشند. اما در پاره‌ای جزئیات، نباید کاربرد گشتارهای تازه را در متون متأخر نادیده گرفت. برای پاسخ به این سؤالات و بررسی فرضیه‌ها، از نظریه بیش‌متنیت^۱ ژنت^۲ و کنش گفتار سرل^۳ به‌شیوه توصیفی - تحلیلی بهره برده‌ایم. ابزار گردآوری اطلاعات هم کتابخانه-ای است. ابتدا جزئی‌ترین اجزای رساله‌ها (پی‌رفت‌ها و گزاره‌ها) را استخراج کردیم؛ سپس هر کدام از گزاره‌ها را براساس دیدگاه سرل، در پنج گروه با علائم اختصاری به‌تصویر کشیدیم. این امر باعث شد پی‌رفت‌های مشابه و متفاوت رساله‌ها شناسایی شود. در ادامه انواع گشتارهای هر پی‌رفت در آثار مربوط، براساس دیدگاه بیش‌متنیت ژنت، مورد کاوش قرار گرفت. بدین ترتیب، براساس انواع پی‌رفت‌ها، گزاره‌ها و گشتارها می‌توانیم به شناخت تأثیر و تأثر ساختار روایی رساله‌الطی‌ها پی ببریم.

در بررسی برای یافتن رساله‌الطی‌ها، به نمونه‌هایی دست یافتیم که از بین تمامی آن‌ها، بنابه مؤلفه‌هایی همچون نوشتاری بودن، به زبان فارسی و عربی

بودن، دسترسی به آثار، تألیف و ترجمه بودن، تمثیلی‌رمزی بودن زبان، محتوای عرفانی و نماد روح بودن پرنده و تلاش برای بازگشت به عالم علوی، فقط رساله‌الطیر و قصیده عینیه‌ی ابن‌سینا، رساله محمد و احمد غزالی، عقل سرخ سهروردی، منطق‌الطیر عطار، کشف‌الاسرار مقدسی و رساله‌های چاچی و عین‌القضات را به‌عنوان نمونه در نظر گرفتیم.

۱-۱. پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق را در سه حوزه می‌توان پی‌گرفت:

۱. روایت‌شناسی رساله‌الطیرها: تحقیقات اندک این حوزه عبارت‌اند از: مقاله «تحلیل ساختار روایی منظومه‌های عطار» نوشته بتلاب اکبرآبادی و رضی (۱۳۹۱) که نویسندگان در این آثار با مبنا قرار دادن آرای باختین با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی منظومه‌های الهی‌نامه، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه‌ی عطار پرداخته‌اند. مقاله «بررسی تطبیقی روایت‌پردازی در رساله‌الطیر غزالی و منطق‌الطیر عطار» از کوپا (۱۳۹۰) که مؤلف به بررسی تطبیقی روایت در رساله‌های محمد غزالی و عطار پرداخته و به تأثیر روایت در پردازش متنی اشاره کرده است. این دو تحقیق اثبات می‌کنند که رساله‌الطیرها از منظر روایی قابل تحلیل و بررسی‌اند.

۲. کنش گفتار جان سرل: در این مجال، به ذکر آثاری می‌پردازیم که با تکیه بر این نظریه در حوزه ادبیات عرفانی و تعلیمی نوشته شده‌اند: مقاله «تحلیل مضمون‌های تعلیمی گلستان بر بنیاد نظریه کنش گفتار سرل» نوشته میرهاشمی و همکاران (۱۳۹۷) که در آن مضامین، نوع نقش‌های معنایی زبانی، واژگان، وجه، ساختار جمله و بافت در ابواب پنج و هفت گلستان به روش تحلیل محتوا مورد واکاوی قرار گرفته است. مقاله «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار» نوشته زرقانی و اخلاقی (۱۳۹۱) که نویسندگان مقاله با بررسی

شرح شطحیات روزبهان بقلی اثبات کرده‌اند که این نظریه علاوه بر حوزه‌های سیاسی، مذهبی و... در حوزه شطحیات نیز کارایی دارد. با نگاهی به این دو پژوهش، ما نیز اثبات می‌کنیم که در حوزه ادبیات تمثیلی رمزی عرفانی نیز می‌توان از این نظریه استفاده کرد.

۳. بیش‌متنیت ژرار ژنت: پیشینه بررسی آثار عرفانی از منظر نظریه بیش‌متنیت عبارت‌اند از: مقاله «خوانش بینامتنی حکایت‌های طاق‌دیس و مثنوی معنوی بر مبنای نظریه ترامت‌نیت ژنت» نوشته خسروی اقبال و کزازی (۱۳۹۶) که محوریت این مقاله بررسی بینامتنیت است. نویسندگان پژوهش نام‌برده به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه بینامتنی این دو متن غیرصریح است و هجده حکایت طاق‌دیس از منظر پی‌رنگ، بن‌مایه و اشخاص از مثنوی مأخوذ است. مقاله «مقایسه محتوایی مرصادالعباد نجم‌الدین رازی و حدیقه‌الحقیقه سنایی غزنوی بر مبنای نظریه ترامت‌نیت» نوشته اسپرهم و چمنی نمینی (۱۳۹۳) که به بررسی محتوایی حدیقه و مرصادالعباد پرداخته و از همین رو مقاله بر مضمون این دو اثر متمرکز شده است. مقاله «مقایسه روایت‌های تمثیلی پیل در شهر کوران از سنایی و غزالی بر مبنای بیش‌متنیت» به قلم فرضی شوب و یوسف‌آبادی (۱۳۹۳) که هم به معاشناختی لایه‌های پنهان متون نظر دارد و هم به واکاوی مضمون. در نهایت نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که در روایت سنایی، تغییر حجم متن و دلالت‌های معاشناسی جدیدی وجود دارد که قابل تحلیل هستند. ما نیز با بررسی این سه منبع، نتیجه گرفتیم که نظریه بیش‌متنیت در مبحث ادبیات عرفانی کاربرد دارد.

با نگاهی به سه حوزه پژوهش مطرح‌شده، مشخص می‌شود که تاکنون پژوهشی مستقل در حوزه بررسی روایی رساله‌الطیرها از منظر بیش‌متنیت و کنش گفتار صورت نگرفته است.

۲. چارچوب نظری

مباحث نظری این مقاله را در دو حوزه بیش‌متنیت ژنت و کنش گفتار سرل پی می‌گیریم.

۲-۱. بیش‌متنیت ژنت

ژنت (۲۰۱۸-۱۹۳۰) ترامتیت^۴ را ارتباط یک متن با متن‌های دیگر می‌داند؛ بر این اساس، روابط متون به پنج دسته تقسیم می‌شود: بینامتنیت^۵، پیرامتنیت^۶، فرامتنیت^۷، سرمتنیت^۸ و بیش‌متنیت. این تقسیم‌بندی دلیلی واضح است بر اینکه «ادبیات بازنویسی و گرده‌برداری آن چیزی است که پیش از این نوشته شده است» (Allen, 2001: Introduction). به دلیل مجال اندک مقاله، از بین پنج دسته روابط متون نام‌برده در بالا، برای رسیدن به وام‌گیری‌های صورت‌گرفته در روایت رساله‌الطیرها، این آثار را فقط از منظر بیش‌متنیت مورد تحلیل قرار داده‌ایم.

برای بررسی موضوعی در حوزه بیش‌متنی دست‌کم سه شرط اصلی لازم است: ۱. متنی بودن موضوع؛ ۲. دارا بودن دو یا بیش از دو متن؛ ۳. مسلّم داشتن رابطه پیش‌متن و بیش‌متن. پیش‌متن^۹ همان متن نخستین است که منبع الهام و برگرفتگی تلقی می‌شود و بیش‌متن^{۱۰} نیز متن دوم یا متن برگرفته از پیش‌متن است.

در تعریف بیش‌متنیت گفته شده رویکردی است که به ارتباط متون و میزان برگرفتگی یکی از دیگری در الهام‌بخشی و تأثیر کلی می‌پردازد. برگرفتگی متون، خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: تقلیدی (همان‌گونگی) و تغییری (تراگونگی). به بیان دیگر، بیش‌متنیت یا براساس رابطه همان‌گونگی بیش‌متن از پیش‌متن استوار است یا برمبنای رابطه تراگونگی. نه همان‌گونگی مطلق و نه

تراگونگی مطلق هیچ‌یک وجود ندارد؛ بلکه همواره در همان‌گونگی، عناصری از تراگونگی و بالعکس مشاهده می‌شود.

دگرگونی متون برای آفرینش اثر جدید، گشتار^{۱۱} نامیده می‌شود. مفهوم گشتار در این نوع رابطه، تغییراتی است که در متن «ب» (بیش‌متن) نسبت به متن «الف» (پیش‌متن) روی می‌دهد. گشتار به دو نوع کمی^{۱۲} و کاربردی^{۱۳} تقسیم می‌شود. اثر می‌تواند در درون خود هم‌زمان چند مورد از این گشتارها را داشته باشد. تغییر در حجم پیش‌متن (گسترش یا کاهش) گشتار کمی است (Genette, 1997: 309). کاهش متن به سه شیوه صورت می‌گیرد: ۱. برش^{۱۴}: در این صورت، بخشی از مضمون پیش‌متن به‌شیوه جراحی حذف می‌شود. ۲. تراش^{۱۵}: نویسنده بخشی از متن را به‌شیوه‌ای شبیه تراش یک مجسمه برای مقاصد زیبایی‌شناختی و سبکی حذف می‌کند. ۳. تلخیص^{۱۶}: در این روش، دو شیوه برش و تراش هم‌زمان به‌کار گرفته می‌شود. افزایش متن نیز به سه شیوه انبساط^{۱۷}، گسترش^{۱۸} و فزون‌سازی^{۱۹} صورت می‌گیرد (همان، ۲۲۹-۲۶۲). در این سه شیوه نیز، به‌ترتیب با افزودگی سبکی، زیبایی‌شناختی و تلفیق این دو روبه‌رویم.

گشتار کاربردی شامل تغییر در بسیاری از مضامین اصلی داستان است و خود به گشتار ارزش^{۲۰}، انگیزه^{۲۱} و کیفی^{۲۲} تقسیم می‌شود. ممکن است انگیزه پیشنهادی در پیش‌متن بدون تغییر در بیش‌متن ذکر شود. در حالت دیگر، انگیزه موجود در پیش‌متن حذف می‌شود. در حالت سوم، ممکن است انگیزه‌ای در بیش‌متن جای انگیزه موجود در پیش‌متن را بگیرد (همان، ۳۲۴-۳۳۰). گشتار ارزش نیز به سه دسته تقسیم می‌شود: در حالت نخست، بیش‌متن دچار ارزش‌گذاری مکرر^{۲۳} می‌شود؛ بدین صورت که شخصیت داستان به اصلاح نظام ارزشی مربوط به رفتارها و انگیزه‌ها به‌صورتی بهتر

می‌پردازد. در حالت دوم، بیش‌متن دچار ارزش‌کاهی^{۲۴} می‌شود که قهرمان داستان از بزرگی قهرمانانه‌اش تنزل می‌یابد و به شالوده بشری عوامانه منسوب می‌شود و یا اینکه یک اثر ادبی اثر پیش از خود را به‌سخره می‌گیرد. حالت سوم، دگرارزشی^{۲۵} است که طی آن، بیش‌متن به آنچه در پیش‌متن بی‌ارزش بوده، ارزش می‌دهد و یا چیزی ارزشمند را بی‌ارزش می‌کند (همان، ۳۴۳-۳۵۴). گشتار کیفی دگرگونی در شیوه نمایش بیش‌متن است که خود به دو نوع کیفی درونی^{۲۶} و بیناکیفیتی^{۲۷} تقسیم می‌شود: در گشتار کیفی درونی، دگرگونی در کارکرد درونی، شیوه روایتگری و نمایش بدون تغییر در ژانر است؛ اما در گشتار بیناکیفیتی ممکن است روایت^{۲۸} به نمایش^{۲۹} و نمایش به روایت تبدیل شود (همان، ۲۲۷).

۲-۲. کنش گفتار سرل

نظریه کنش گفتار یکی از مباحث مهم تحلیل گفتمان در حوزه زبان‌شناسی است که به نقش‌های فعل و جمله در فرایند گفتمان می‌پردازد. آستین^{۳۰} این نظریه را مطرح کرد و پس از او، سرل (تولد ۱۹۳۲م) طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای از آن را ارائه داد. آستین، پایه‌گذار این نظریه، معتقد بود که مقدار چشمگیری از گفتار و نوشتار ما یا عین عمل‌اند و یا بخشی از عمل. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی است که آن‌ها را کنشی می‌نامیم (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۸). عامل پیدایی این نظریه، مخالفت آستین با سفسطه‌ای بود که در دیدگاه پوزیتیویسم منطقی^{۳۱} درباره مسئله معناداری مطرح بود. براساس آن سفسطه، تنها کارکرد فلسفی زبان، ساختن جمله‌های صادق/ کاذب بود؛ اثبات‌گرایان^{۳۲} معتقد بودند اگر نتوان جمله‌ای را در اساس از منظر صدق و کذب بررسی کرد، آن جمله بی‌معناست (Levinson, 1983: 227). آستین در نهایت سه سطح متفاوت افعال انسانی در حین سخن گفتن را کنش بیانی^{۳۳} (اظهار عباراتی

بی‌معنا و مصداق)، منظوری^{۳۴} (مقصود داشتن گوینده از اظهاراتش) و تأثیری^{۳۵} (تأثیر کلام معنادار در شنونده) دانست (پایا، ۱۳۸۳: ۴۴۰). نظریه آستین ایراداتی داشت؛ بنابراین پس از وی تقسیم‌بندی‌های دیگری در این نظریه صورت گرفت که مهم‌ترین آن‌ها نظریه سرل بود.

از منظر سرل، هنگام بیان گفته‌ای چهار کنش هم‌زمان صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: کنش گفتن، کنش گزاره‌ای، کنش منظوری و کنش تأثیری (به نقل از Green & LeBihan, 1991: 29). به عقیده وی، گفته‌ها علاوه بر دلالت‌گری قادرند کارهای گوناگونی نیز انجام دهند؛ برای مثال «ایفاگری»^{۳۶} نظیر «من تو را محکوم به اعدام می‌کنم»، در عمل نیز نتایجی را ایجاد می‌کند (چاوشیان، ۱۳۸۷: ۸۷-۱۲۵). بدین منظور، سرل کنش‌های مختلف گفتار را به‌همراه رمزگان‌هایشان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. کنش‌های تصریحی یا اظهاری:^{۳۷} برای بیان واقعه یا گزارش از یک فرایند که آن را R می‌نامیم.
۲. کنش‌های ترغیبی:^{۳۸} برای بیان تقاضا، صدور دستور، بیان پیشنهاد یا طرح پرسش که آن را با D نشان می‌دهیم.
۳. کنش‌های عاطفی:^{۳۹} برای بیان احساسات و ذهنیت افراد نسبت به وقایع که این کنش را با E مشخص می‌کنیم.
۴. کنش‌های تعهدی:^{۴۰} برای بیان تعهد گوینده به تحقق عملی در آینده که برای این کنش، C را در نظر می‌گیریم.
۵. کنش‌های اعلانی:^{۴۱} برای نام‌گذاری واقعه و اعلان رخداد که برای آن A را به‌کار می‌گیریم (Searl & Simpson, 1969: 57-61).

ورشورن^{۴۲} معتقد است که پنج‌گانه سرل مؤثرترین طبقه‌بندی ارائه‌شده در حوزه کنش‌های گفتار است؛ زیرا طبقات به‌هیچ‌وجه انحصاری نیستند؛

به گونه‌ای که یک پاره‌گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را دربرداشته باشد (Verschuieren, 2003: 24). هرچند تعریف متقنی از پاره‌گفته وجود ندارد، بررسی‌ها ثابت کرده که پاره‌گفتار قطعه‌ای کوتاه یا بلند از زبان است که معنای آن حاصل تعامل زبان و بافت تولید آن باشد؛ بنابراین می‌توان بخشی از یک متن، تک‌جمله‌ها و قطعات طولانی را از این منظر تحلیل کرد (Botha, 1991: 295).

۳. بحث و بررسی پیش‌متنیت در رساله‌الطیرها

برای بررسی پیش‌متنیت در رساله‌الطیرها، ابتدا به انواع، بسامد و درصد کاربرد گزاره‌ها در این آثار نگاهی می‌افکنیم.

جدول ۱. انواع، بسامد و درصد کاربرد گزاره‌ها در رساله‌الطیرها

گزاره‌ها	رساله‌الطیرها	بسامد	درصد
R	تمام رساله‌ها	۴۹۲۷	۷۲/۷۱
D	تمام رساله‌ها	۱۳۸۱	۲۰/۳۸
E	قصیده عینیه، رساله‌الطیر ابن سینا، رساله‌الطیر غزالی‌ها، عقل - سرخ، منطق‌الطیر، کشف‌الاسرار	۴۴۶	۶/۵۸
C	رساله‌الطیر ابن سینا، رساله‌الطیر احمد غزالی، داستان مرغان چاچی، کشف‌الاسرار	۱۹	۲۸
A	کشف‌الاسرار، منطق‌الطیر	۳	۰/۰۴
مجموع بسامد گزاره‌ها	۶۷۷۶		

براساس جدول ۱، بیشترین بسامد کاربرد گزاره‌ها در رساله‌الطیرها مربوط به گزاره‌های تصریحی و ترغیبی است و کمترین آن مربوط به گزاره‌های اعلانی و گزاره‌های عاطفی و تعهدی به ترتیب با ۶/۵۸ و ۰/۲۸ درصد از بسامد متوسط برخوردارند. بی‌شک از عواملی که باعث کاربرد بیش از حد گزاره‌های

تصریحی و ترغیبی شده، مضمون و درون‌مایه تعلیمی - ارشادی رساله‌الطیرهاست. راوی در پی تأکید مباحث و تأثیر بر مخاطب است؛ پس یا باید با قاطعیت از مضمون و منظور اصلی خود صحبت کند یا باید توجه مخاطب را با گزاره‌های تشویقی و ترغیبی به سوی هدف خود جلب کند؛ بنابراین به استفاده از گزاره‌های تصریحی و ترغیبی روی می‌آورد. نیز این آثار از نوع تمثیلی هستند و بافت مکانی و زمانی آن‌ها برای نام‌گذاری یک واقعه، اعلان رخداد (کنش نوع A) و بیان تعهد گوینده (کنش نوع C) مناسب نیست.

در استفاده از گزاره‌های این متون به این نتیجه رسیدیم که گزاره‌های اعلانی فقط در منطق‌الطیر و کشف‌الاسرار، گزاره‌های تعهدی در رساله‌الطیر ابن‌سینا، رساله‌الطیر احمد غزالی، داستان مرغان چاچی و کشف‌الاسرار، گزاره‌های عاطفی در تمام رساله‌ها به جز رساله‌های چاچی و عین‌القضات، و در نهایت گزاره‌های ترغیبی و تصریحی در همه رساله‌ها به کار رفته است. با توجه به جدول ۱، تنها اثری که توانسته از ظرفیت تمام گزاره‌ها برای تعلیم استفاده کند، کشف‌الاسرار است. بسامد پی‌رفت‌های رساله‌الطیرها در جدول زیر آمده است.

جدول ۲. بسامد پی‌رفت‌ها در رساله‌الطیرها

بسامد	رساله‌الطیرها
۶	قصیده عینیه
۳۷	رساله‌الطیر ابن‌سینا
۲۳	رساله‌الطیر محمد غزالی
۲۶	رساله‌الطیر احمد غزالی
۷	داستان مرغان چاچی
۵	داستان مرغان عین‌القضات
۷۶	عقل سرخ

۱۱۴	منطق الطیر
۱۲۷	کشف الاسرار

با توجه به بسامدهایی که در استفاده از پی‌رفت‌های هریک از رساله‌الطیرها دیده شد، نویسندگان چنین روایت‌هایی هرگز به تقلید صرف از یکدیگر متنی را تولید نکرده‌اند؛ بلکه با استفاده از گشتارها سعی کرده‌اند متنی متفاوت به‌وجود آورند. در ادامه به مشابهت پی‌رفت‌های این آثار اشاره می‌شود.

جدول ۳. پی‌رفت‌های مشابه در رساله‌الطیرها

پی‌رفت‌های مشابه	رساله‌الطیرها
۱. تحمیدیه	عقل سرخ، منطق الطیر، کشف الاسرار
۲. آمدن صیادان و اسارت طیران	عقل سرخ، رساله‌الطیر ابن سینا
۳. آزادی طیران	عقل سرخ، رساله‌الطیر ابن سینا
۴. اجتماع طیران برای یافتن پادشاه	رساله غزالی‌ها، رساله چاچی، منطق الطیر، کشف الاسرار
۵. اتفاق نظر طیران	رساله غزالی‌ها، رساله چاچی، منطق الطیر، کشف الاسرار
۶. جستن آشیانه سیمرخ	رساله غزالی‌ها، رساله چاچی
۷. انذار منادی به طیران	رساله غزالی‌ها، کشف الاسرار
۸. توصیف مسیر سفر	رساله‌الطیر ابن سینا، منطق الطیر
۹. اشتیاق طیران و حرکت	رساله‌الطیر ابن سینا، رساله غزالی‌ها، رساله چاچی، منطق الطیر، کشف الاسرار
۱۰. هلاکت تمامی / تعدادی از طیران	رساله غزالی‌ها، رساله چاچی، رساله عین‌القضات، منطق الطیر، کشف الاسرار
۱۱. رسیدن همه / تعدادی از طیران به بارگاه	رساله‌الطیر ابن سینا، رساله غزالی‌ها، منطق الطیر، کشف الاسرار
۱۲. فرایند پرسش و پاسخ بارگاه با طیران / گفت‌وگوی طیران با بارگاه	رساله‌الطیر ابن سینا، رساله غزالی‌ها، منطق الطیر، کشف الاسرار
۱۳. عدم پذیرش طیران از سوی بارگاه	رساله غزالی‌ها، رساله عین‌القضات، منطق الطیر، کشف الاسرار

۱۴. ناامیدی طیران در پی عدم پذیرش از سوی بارگاه	رسالة غزالی‌ها، منطق‌الطیر، کشف‌الاسرار
۱۵. درخواست مجدد طیران برای پذیرش	رسالة غزالی‌ها، منطق‌الطیر، کشف‌الاسرار
۱۶. پذیرش طیران از سوی بارگاه	رسالة غزالی‌ها، منطق‌الطیر، کشف‌الاسرار
۱۷. تفسیر انتهایی راوی	قصیده عینیه، رسالة‌الطیر ابن‌سینا، رسالة غزالی‌ها، رسالة چاچی، منطق‌الطیر

پیرو جدول ۳، باید به میزان کنش‌های گفتاری هر پی‌رفت مشابه پرداخت:

۱. تحمیدیه: بسامد کنش‌های گفتاری این پی‌رفت در جدول زیر به تصویر کشیده شده است.

جدول ۴. انواع کنش‌ها در پی‌رفت مشابه اول

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
عقل سرخ	E1-E4
منطق‌الطیر	R1-R268 E1-E27 D1-D80
کشف‌الاسرار	E1-E6 R1-R10 D1-D7

عطار در منطق‌الطیر، هم به تنوع گزاره‌های این پی‌رفت و هم به بسامد زیاد این گزاره‌ها توجه کرده است. بعد از وی، مقدسی نیز از هر سه گزاره، با بسامد کمتری از عطار، استفاده کرده و سه‌وردی فقط با کاربست گزاره‌های عاطفی، بخش تحمیدیه را سامان داده است. نکته مهم اشتراک این آثار در استفاده از گزاره‌های عاطفی است؛ این دسته گزاره‌ها بر بیان احساسات و ذهنیت افراد به وقایع دلالت دارد؛ این مسئله با تحمیدیه که به طلب استرحام، عذرخواهی، شکرگزاری از خداوند و به‌طور کلی کنش عاطفی می‌پردازد، سنخیت کامل دارد. کاربرد گزاره‌های تصریحی و ترغیبی در منطق‌الطیر و

کشف‌الاسرار ثابت می‌کند که ایشان از هر فرصتی برای تعلیم و بیان عقاید خویش استفاده می‌کرده‌اند؛ حتی در تحمیدیه، فرصت را مغتنم شمرده، دیدگاهشان را بیان کرده‌اند. در این پی‌رفت، راویان *عقل سرخ* و *کشف‌الاسرار* به حمد خداوند و چند دعا بسنده کرده‌اند؛ اما عطار با گشتار کمی از نوع افزایش توانسته است بار تاریخی - مذهبی مخصوصی نیز به متن خویش اضافه کند. در *منطق‌الطیر* این افزایش بنابه عواملی چون توصیف، گفت‌وگوسازی و تفصیل جزئیات صورت گرفته است.

۲ و ۳. آمدن صیادان، و اسارت و آزادی طیران: بسامد کنش‌های گفتاری این پی‌رفت‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۵. انواع کنش‌ها در پی‌رفت‌های مشابه دوم و سوم

نوع پی‌رفت‌ها		عنوان رساله
۳	۲	
R22-R23	R19-R21 D14-D16 E3-E25	رساله‌الطیر ابن سینا
R15-R18	R5-R14 D4 E6	عقل سرخ سهروردی

در هر دو رساله، مقوله آمدن صیادان و اسارت طیران با کنش‌های تصریحی، ترغیبی و عاطفی همراه است و مقوله آزادی طیران با کنش‌های تصریحی. در رساله ابن سینا، اسارت طیران با کنش‌های عاطفی بیشتری در مقایسه با *عقل سرخ* همراه است. در عوض، کنش‌های تصریحی در همین پی‌رفت در *عقل سرخ* بیشتر از رساله ابن سیناست. به نظر می‌رسد ابن سینا بیشتر به بیان عواطف و احساسات طیران پرداخته و سهروردی به عملکرد «باز» و موکلانش بیشتر توجه کرده است. کنش‌های ترغیبی در رساله ابن سینا در پی‌رفت ۲ کاربرد

بیشتری داشته است؛ زیرا طیران اسیر در حال ترغیب طیران آزاد برای کمک به رهاسازی خود هستند؛ اما این فرایند در *عقل سرخ* نیست.

اینکه در این پی‌رفتها در رساله ابن‌سینا از گزاره‌های عاطفی و در *عقل سرخ* از گزاره‌های تصریحی بیشتری استفاده شده، مربوط به مبحث گشتار کمی از نوع افزایش است. آنچه باعث کاربرد گزاره‌های عاطفی بیشتر در رساله ابن‌سینا شده، مربوط به تفصیل جزئیات بیشتر از روحیات طیر اسیر، سخن گفتن ملتمسانه وی با طیران آزاد و استفاده از شخصیت‌های کمکی (= طیران آزاد) است؛ اما آنچه باعث شده گزاره‌های تصریحی در *عقل سرخ* بیشتر باشد، افزایش اپیزودهای کنشی و تفصیل جزئیات اسارت است. در این روایت، اپیزودهایی چون انتقال «باز» از ولایتی به ولایت دیگر، دوختن چشمان «باز»، گماشتن موکل بر وی، وصف موکلان و نحوه ایستادن ایشان، باز کردن مداوم اندکی از چشم «باز»، غافل شدن موکلان از «باز» و درنهایت فرار وی به متن تزریق و باعث کنش محوری این پی‌رفت شده است.

۴ و ۵. اجتماع طیران برای یافتن پادشاه و اتفاق نظر ایشان: بسامد کنش‌های گفتاری این پی‌رفتها در جدول ۶ قید شده است.

جدول ۶. انواع کنش‌ها در پی‌رفتهای مشابه چهارم و پنجم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
رساله‌الطیر محمد غزالی	R1-R2
رساله‌الطیر احمد غزالی	R1-R6 E1-E2
داستان مرغان چاچی	R1-R3 C1
منطق‌الطیر عطار	R660-R668 D270-D271
کشف‌الاسرار مقدسی	C8-C13 R2113-R2118

این پی‌رفت‌ها در رساله محمد غزالی فقط به دو کنش تصریحی (طیرانی با رنگ‌ها و طبایع مختلف اجتماع کرده و متحدالقول هستند که پادشاه ایشان عنقا است) خلاصه شده است؛ اما در رساله احمد، علاوه بر کنش‌های تصریحی مذکور، کاربست کنش‌های عاطفی نیز دیده می‌شود؛ بدین‌گونه که تفصیلی از جزئیات نرسیدن به سیمرغ و سپس آیه‌ای از آیات قرآن بیان شده است. به عقیده طیران رساله احمد غزالی، اگر بدون پادشاه در صحرا زندگی کنند، در دام دشمن می‌افتند؛ همچنان‌که خداوند نیز در قرآن فرموده است: *إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا (فاطر / ۶)*. این نوع از گشتار کمی افزایش به دلیل تفصیل جزئیات و اتقان کلام با تلمیح به آیات قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. در رساله چاچی، طیران متعهد می‌شوند به سوی سیمرغ حرکت کنند؛ همین امر باعث کاربرد کنش تعهدی شده است. آنچه در *منطق الطیر* مطرح می‌شود، بی‌شبهت به رساله احمد غزالی نیست؛ زیرا طیران بعد از اجتماع، سخنانی می‌گویند که در ساختار کلی به روایت غزالی مشابه است؛ ایشان از مشکلی حرف می‌زنند که ممکن است بدون داشتن پادشاه به آن گرفتار آیند (= بدون شاه، نظم و ترتیبی در سپاه نمی‌ماند). نکته‌ای که در *منطق الطیر* باعث افزایش یک اپیزود به متن شده، سؤال طیران از دلیل بی‌شاه بودن ایشان است. این اپیزود به جز *منطق الطیر* در هیچ‌یک از رساله‌های طیرها نیست. در رساله مقدسی، جایگاه سیمرغ و روان بودن فرمانش در شرق و غرب جزئیاتی است که طیران به آن اشاره می‌کنند؛ این نوع گشتار نیز کمی افزایشی از نوع تفصیل جزئیات است. از سویی چون رساله مقدسی بعد از رساله عطار نوشته شده است، مشکلاتی که عطار برای بی‌پادشاهی طیران برمی‌شمارد و نیز سؤال از دلیل بی‌شاه بودن در این اثر حذف شده است؛ بنابراین در رساله مقدسی، گشتار کمی کاهش از نوع تراش (حذف) وجود دارد.

۶. جستن آشیانه سیمرخ: این نوع با کنش‌های گفتاری زیر قابل مشاهده است.

جدول ۷. انواع کنش‌ها در پی‌رفت مشابه ششم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
رساله‌الطیر محمد غزالی	R3
رساله‌الطیر احمد غزالی	R7 D1
داستان مرغان چاچی	D2-D3

در رساله‌های چاچی و احمد غزالی، در کنار کنش‌های تصریحی، از کنش‌های ترغیبی هم استفاده شده است. در این دو رساله، آنچه باعث شکل‌گیری این پی‌رفت می‌شود، گفت‌وگو محوری پی‌رفت است. در رساله چاچی، طیران از منبعی ناشناس جایگاه سیمرخ را می‌جویند و با ترغیب یکدیگر به سوی ابژه حرکت می‌کنند. در رساله احمد غزالی، طیران از کسانی که به آن حضرت رسیده‌اند، آشیان سیمرخ را جویا می‌شوند و بعد از دانستن جایگاه سیمرخ، با اشتیاق به سوی او روان می‌شوند. در رساله محمد غزالی، فقط به نتیجه این جست‌وجو اشاره می‌شود و هیچ‌گونه وصفی از نحوه جستن جایگاه سیمرخ صورت نمی‌گیرد. با توجه به اینکه رساله محمد غزالی پیش از رساله چاچی و احمد غزالی نوشته شده، باید گفت در این دو رساله، گشتار کمی افزایش از نوع گفت‌وگوسازی صورت گرفته است.

۷. انذار منادی به طیران: این نوع با کنش‌های گفتاری زیر قابل مشاهده

است.

جدول ۸. انواع کنش‌ها در پی‌رفت مشابه هفتم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
رساله‌الطیر محمد غزالی	D1-D5
رساله‌الطیر احمد غزالی	D2-D12
کشف الاسرار	D229

R2119-R2127

در این سه ماجرا، علاوه‌بر کنشگرانی که به‌سوی هدف خویش در حرکت‌اند، کنشگری به‌اسم منادی حضور دارد. در رساله محمد و احمد غزالی، این کنشگر با عنوان «منادی غیب» مشخص شده؛ اما در کشف‌الاسرار، این شخصیت نائب فاعل فعل مجهول «قیل» است و نامی از وی به‌میان نمی‌آید. در رساله محمد غزالی، منادی دو بار ظاهر می‌شود: بار اول، طیران را به ملازمت آشیانه‌هایشان توصیه می‌کند و بار دوم، خطرات راه را به‌صورت جزئی به ایشان گوشزد می‌کند. در رساله احمد غزالی، این انذارها با تفصیل بیشتری از جزئیات و با تلمیح به آیات قرآن، افزایش گشتاری داشته است؛ به‌عبارتی در رساله احمد غزالی هم، منادی دو بار طیران را انذار می‌دهد؛ اما هر دو بار با استفاده از گشتار کمی افزایش به جزئیات بیشتری اشاره و کلام خویش را با توسل به آیات قرآن از اتقان بیشتری برخوردار کرده است. در رساله مقدسی، منادی نامعلوم فقط یک بار طیران را به ملازمت لانه‌هایشان توصیه می‌کند. با توجه به اینکه مقدسی این بخش از اثر خود را به تبعیت از رساله غزالی‌ها نوشته است، در این پی‌رفت، گشتار کمی کاهش از نوع تلخیص وجود دارد.

۸. توصیف مسیر سفر: کنش‌های این پی‌رفت در جدول زیر آمده است.

جدول ۹. انواع کنش‌ها در پی‌رفت مشابه هشتم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
رساله الطیر ابن سینا	R27-R29 E26
منطق الطیر	R1752-R2084 D712-D883 E216-E227

در رساله ابن‌سینا، توصیف مسیر سفر از سوی طیران آزاد و اسیر صورت می‌گیرد و در منطق‌الطیر، از سوی راوی/ هدهد قبل از سفر و ضمن بیان بوادی سفر (طلب، عشق، معرفت، توحید، حیرت، فقر و فنا). جنس این توصیف در

این دو رساله کاملاً متفاوت است؛ زیرا در رساله ابن‌سینا، توصیفات کاملاً محسوس است، مانند اشاره به وادی با آب و گیاه، کوه‌ها، عقبه‌ها، منزل‌های سهمناک و مخوف، بوستان‌های آراسته و مانند این‌ها؛ اما در رساله عطار، اصطلاحات برای توصیف این مرحله، جنس زمینی ندارد؛ بنابراین عطار ارزش‌های مطرح را دگرگون کرده و از گشتار کاربردی ارزش از نوع دگرارزشی بهره برده است.

۹. اشتیاق طیران و حرکت: این پی‌رفت با کنش‌های گفتاری زیر قابل مشاهده است.

جدول ۱۰. انواع کنش‌ها در پی‌رفت مشابه نهم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
رساله‌الطیر ابن‌سینا	R30-R55 E27-E30
رساله‌الطیر محمد غزالی	E1 R4
رساله‌الطیر احمد غزالی	R11 E9-E13
داستان مرغان چاچی	C1 R4
منطق‌الطیر	R2085-R2087 D883-D884 E230-E232
کشف‌الاسرار	R2131-R2132

اشتیاق و حرکت طیران در رساله ابن‌سینا بعد از گفت‌وگو با طیران آزاد، در رساله غزالی‌ها بعد از تصمیم طیران مبنی بر رفتن و سخنان منادی، در رساله چاچی بعد از یافتن نام پادشاه، در منطق‌الطیر بعد از گفت‌وگوی هدهد با طیران و جواب به بهانه‌جویی‌های ایشان، و در کشف‌الاسرار بعد از تصمیم طیران مبنی بر رفتن و سخنان انذاردهنده طرح می‌شود. تفاوت‌های ساختار رساله‌های یادشده در این پی‌رفت در این است که ۱. در رساله چاچی بعد از

تصمیم طیران، حرکت صورت می‌گیرد و بازدارنده‌ای وجود ندارد. ۲. در رساله ابن‌سینا، طیران تصمیم به حرکت می‌گیرند؛ اما تنها بازدارنده ایشان مسیر و سوسه‌انگیز رسیدن به حضرت است. ۳. در رساله غزالی‌ها، طیران تصمیم به حرکت می‌گیرند. منادی دو بار ظاهر می‌شود و می‌خواهد طیران را از حرکت بازدارد؛ نتیجه این انذار جز افزوده شدن اشتیاق طیران برای رفتن و رسیدن به سیمرخ نیست. ۴. در منطق‌الطیر، طیران تصمیم به رفتن می‌گیرند؛ اما دلخوشی‌هایشان مانع حرکتشان است و به همین سبب بهانه‌جویی می‌کنند. هدهد به تمام بهانه‌ها پاسخ داده، ایشان را به رفتن به سوی سیمرخ جان ترغیب می‌کند. ۵. منادی در کشف‌الاسرار، طیران را انذار می‌دهد؛ اما طیران پاسخ منادی را می‌دهند و رهسپار مسیر عنقا می‌شوند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ساختار کنش این پنج داستان (به‌جز رساله‌های غزالی‌ها) متفاوت است: در رساله چاچی، بازدارنده وجود ندارد؛ در رساله ابن‌سینا، زیبایی‌های مسیر ممکن است بازدارنده طیران باشد؛ در رساله غزالی‌ها، منادی، در رساله منطق‌الطیر، درونیات و منویات طیران و در کشف‌الاسرار، منادی بازدارنده است.

از آنجا که رساله چاچی بعد از رساله ابن‌سینا و محمد غزالی نوشته شده است و بازدارنده‌ای برای کنش طیران وجود ندارد، در این پی‌رفت، گشتار کمی کاهش از نوع حذف وجود دارد. رساله عطار به‌لحاظ بازدارنده، ساختاری کاملاً متفاوت با سایر روایت‌ها دارد؛ زیرا بازدارنده از جنس درونی است و مربوط به ویژگی‌های ذاتی طیران. برعکس سایر رساله‌ها که در آن‌ها ارزش صرفاً رسیدن به سیمرخ است، در رساله عطار، ارزش‌های درونی طیران از سوی هدهد، رنگ دیگری یافته و هر طیر برای پاک‌سازی خود این مسیر را طی خواهد کرد؛ پس در این رساله، تغییر ارزش نسبت به رساله‌های پیشین

دیده می‌شود؛ یعنی در این پی‌رفت از منطق‌الطیر با گشتار کاربردی ارزش از نوع دگرارزشی روبه‌رویم. رساله مقدسی به لحاظ ساختار از رساله غزالی‌ها متأثر است؛ با این تفاوت که در این رساله، یک بخش اضافه شده است. منادی طیران را انذار می‌دهد؛ اما طیران پاسخ وی را می‌دهند. این گفت‌وگو در رساله غزالی‌ها وجود ندارد. پس در رساله مقدسی، گشتار کمی افزایش از نوع گفت‌وگوسازی و افزودن اپیزود استفاده شده است.

۱۰. هلاکت تمامی / تعدادی از طیران: کنش‌های این پی‌رفت در جدول ۱۱

دیده می‌شود.

جدول ۱۱. انواع کنش‌ها در پی‌رفت مشابه دهم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
رساله‌الطیر محمد غزالی	R5-R9
رساله‌الطیر احمد غزالی	R12-R18
داستان مرغان چاچی	R5-R9
داستان مرغان عین‌القضات	R4
منطق‌الطیر	E227-E230 R2084-R2085
کشف‌الاسرار	R2133-R2147

در رساله محمد غزالی به این نکته با این موضوع اشاره شده است که زمان رویارویی طیران با اضطرار، طیران سرزمین‌های سردسیر در سرزمین‌های گرمسیر و طیران سرزمین‌های گرمسیر در سرزمین‌های سردسیر هلاک شدند و با بروز صاعقه‌ای، جز اندکی از ایشان به بارگاه نرسید. در رساله احمد غزالی، تمامی آنچه در رساله محمد غزالی وجود دارد، ذکر می‌شود؛ با این تفاوت که احمد غزالی صاعقه را این‌چنین تعبیر کرده است: «پس چون به وادی کبریا رسیدند باد تقدیر برخاست و صاعقه عظیم درجست» (پورجوادی، ۱۳۳۵: ۲۹). احمد غزالی این باد را تقدیر دانسته است (اضافه تشبیهی)؛ بنابراین

گشتار کمی افزایشی از نوع افزودن آرایه در این بخش دیده می‌شود. در رساله چاچی، آنچه در رساله محمد غزالی آمده، با تفصیل جزئیات بیشتر (گشتار کمی از نوع افزایش) بیان شده است. در رساله عین‌القضات، خبری از مصائب مسیر نیست. طیران به بارگاه می‌رسند، اما پذیرش نمی‌گیرند و بارگاه تمامی ایشان را به یکباره نیست می‌کند. عین‌القضات در طرح این شیوه به گشتار کمی کاهش از نوع تلخیص روی آورده و فقط به هلاکت طیران اشاره کرده است. عطار برای هلاکت طیران دست به تنوع بیشتری زده و برای هر دسته از طیران بهانه‌ای برای نابودی و بازماندن از مسیر طراحی کرده است. شاید عطار طرح نابودی طیران را وام‌دار محمد غزالی باشد؛ اما با تغییرات کیفی درونی که در این مبحث ایجاد کرده، گویی روایتی بدیع را سامان بخشیده که حاکی از تخیل والای این شاعر است. در کشف‌الاسرار، مقدسی متأثر از عطار این مبحث را بدین شکل طراحی کرده است: «فطاروا بأجنحة يتفكرون في سبيل عدل، إن أخذوا ذات اليمين أخذتهم برودة الرجا، و إن عدلوا ذات الشمال احرقتهم حرارة الجوى فهم بين سباق، و لحاق، و محاق و احتراق و تلاش و افتراق و استغراق» (مقدسی، ۶۷۸ق: ۱۳۲-۱۳۳). آنچه در این کتاب دیده می‌شود، در سنجش با منطق‌الطیر، گشتار کمی کاهش از نوع تلخیص است؛ زیرا مقدسی برای پرداخت این پی‌رفت به گستردگی عطار عمل نکرده است.

۱۱ و ۱۲. رسیدن تمامی / تعدادی از مرغان به بارگاه و فرایند پرسش و پاسخ بارگاه با طیران / گفت‌وگوی طیران با بارگاه: کنش‌های این دو پی‌رفت در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۲. انواع کنش‌ها در پی‌رفت‌های مشابه یازدهم و دوازدهم

نوع پی‌رفت‌ها		عنوان رساله
۱۲	۱۱	
R71-R80	R61-R62	رساله‌الطیر ابن سینا
D6-D29 E2-E18 R10-R18	R5-R9	رساله‌الطیر محمد غزالی
D13-D30 E14-E31 R19-R36	R12-R18	رساله‌الطیر احمد غزالی
D886-D899 E236-E244 R2116-R2132	R2087- R2104 E232-E235	منطق‌الطیر عطار
D230-D240 R2128-R2181	R2133- R2147	کشف‌الاسرار مقدسی

این پی‌رفت‌ها در رساله ابن سینا صرفاً با کنش‌های گفتاری تصریحی بیان شده است: طیران به بارگاه می‌رسند، شرح حال و درخواست خویش را مطرح و پاسخ را دریافت می‌کنند. نکته اینجاست که رسیدن طیران به بارگاه، در این رساله، با شویشی عاطفی همراه است؛ بدین گونه که طیران بعد از وصول به بارگاه با دیدن نور جمال ملک بی‌هوش می‌شوند. در رساله محمد غزالی، بعد از وصول طیران، هویت ایشان از سوی بارگاه درخواست می‌شود. بارگاه بعد از دانستن مقصود طیران، ایشان را نمی‌پذیرد. طیران ناامید مجدداً درخواست خویش را مطرح می‌کنند؛ اما این بار از سوی بارگاه مورد پذیرش قرار می‌گیرند. زمانی که طیران از پذیرش خویش مطمئن می‌شوند، سؤالاتی از بارگاه می‌پرسند و پاسخ می‌گیرند. همین روند در رساله احمد غزالی طی می‌شود. در رساله عطار، چاووش سی‌طیر را می‌بیند و هویت ایشان را جویا می‌شود. طیران پس از معرفی خود، هدفشان را می‌گویند. چاووش عزت ایشان را مشتی حقیر خطاب کرده، از پذیرش آنان سر باز می‌زند؛ اما طیران برای بار

دوم، درخواست خویش را مطرح می‌کنند؛ این بار مورد پذیرش واقع می‌شوند. در رساله مقدسی، طیران از سوی بارگاه به تنعمات دنیوی دعوت می‌شوند؛ اما صاحبان همت‌های بلند درخواست خویش را مبنی بر وصال شهریار بیان می‌کنند. پادشاه ایشان را نمی‌پذیرد؛ اما طیران با اصرار مجدد مورد پذیرش واقع می‌شوند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در طرح این پی‌رفت‌ها نمی‌توان رساله ابن‌سینا را پیش‌متن دانست. بلکه باید گفت طیران رساله‌های عطار و مقدسی مسیری را سپری کرده‌اند که در رساله محمد غزالی مطرح می‌شود؛ با این تفاوت که در رساله عطار این بارگاه نیست که طیران را مورد پرسش و پاسخ قرار می‌دهد، بلکه چاووش است (گشتار کمی افزایش از نوع ساخت شخصیت‌های کمکی) و در رساله مقدسی، هویت طیران از سوی سیمرخ پرسیده نمی‌شود، بلکه طیران بدون هیچ درنگی به بهشت می‌رسند، اما صاحبان همت‌های بلند از آن روی می‌گردانند (گشتار کاربردی از نوع ارزش‌گذاری مکرر؛ در این رساله، نظام ارزشی طیران به نحوی بهتر به‌نمایش گذاشته می‌شود. بارگاه ایشان را امتحان می‌کند؛ اما ایشان به چیزی جز محبوب میل نمی‌کنند). یکی دیگر از تفاوت‌هایی که باعث تمایز رساله غزالی‌ها از رساله عطار و مقدسی می‌شود، گفت‌وگوی بین بارگاه و طیران در رساله غزالی‌هاست. این گفت‌وگو در رساله عطار و مقدسی مشاهده نمی‌شود؛ با این وصف، رساله‌های عطار و مقدسی با نوعی گشتار کمی کاهش از نوع تراش (حذف) همراه هستند.

۱۳. عدم پذیرش طیران از سوی بارگاه: کنش‌های این پی‌رفت در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۳. انواع کنش‌ها در پی‌رفت مشابه سیزدهم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
رساله الطیر محمد غزالی	E2-E9
رساله الطیر احمد غزالی	D14

R2	داستان مرغان عین‌القضات
R2128-R2132 D893-D898 E240-E242	منطق‌الطیر
D238 R2172-R2176	کشف‌الاسرار

در رساله محمد غزالی، عدم پذیرش طیران به این شکل بیان شده است: «فقیل لهم أتعبتم أنفسكم فنحن الملك شئتم أو أبيتم جئتم أو ذهبتم، لاجحة بنا اليكم» (پورجوادی، ۱۳۳۵: ۴۷). در رساله احمد غزالی، بی‌طاقتی چشمان طیران برای دیدن بزرگی حضرت به بی‌طاقتی چشم خفاش در برابر نور خورشید تشبیه و با توسل به آیه‌ای از قرآن، کلام از اتقان بیشتر برخوردار شده است. این پی‌رفت در رساله عین‌القضات در مختصرترین حالت، صرفاً با این آیه بیان شده است: «جواب ایشان دادند که ان الله غنی عن العالمین» (همدانی، ۱۳۶۲: ۲۰۰). اینجا همان بی‌نیازی بارگاه از وجود طیران به صورت دیگری با گشتار کمی کاهش از نوع برش که در حوزه مضمون اتفاق می‌افتد، به تصویر کشیده شده است. طیران در رساله عطار، ابتدا با استفاده از تشبیه وصف می‌شوند (استفاده از آرایه ادبی)؛ سپس با طرح اینکه صدهزار عالم سپاه در برابر پادشاه، موری بیش نیست، تأکید می‌شود که از طیران کاری بر نمی‌آید. باقی محتوا مانند محتوای رساله محمد غزالی است. این عدم پذیرش در کشف‌الاسرار به این صورت تصویر شده است: «إرجعوا من حیث أتیتهم، أنا الملك إن شئتم أو أبيتم، وان الله لغنی عنکم» (مقدسی، ۱۳۴: ۶۷۸). پی‌رفت این اثر در این بخش بسیار شبیه به پی‌رفت رساله محمد غزالی است.

۱۴، ۱۵ و ۱۶. ناامیدی طیران در پی عدم پذیرش از سوی بارگاه، درخواست مجدد طیران برای پذیرش و درنهایت، پذیرش طیران از سوی بارگاه: این پی‌رفت‌ها با کنش‌های زیر قابل مشاهده است.

جدول ۱۴. انواع کنش‌ها در پی‌رفت‌های مشابه چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم

نوع پی‌رفت‌ها		عنوان رساله
۱۶	۱۴ و ۱۵	
E19-E24	E2-E9	رساله‌الطیر محمد غزالی
E32	E15-E17 D18-D20	رساله‌الطیر احمد غزالی
R2136-R2149 E244-E245 D899-D900	R2130- R2132 D895-D899 E242-E244	منطق‌الطیر عطار
E54-E56 R2182-R2223 D241-D243	D239-D240 R2177- R2181	کشف‌الاسرار مقدسی

ناامیدی طیران در رساله احمد غزالی با تفصیل جزئیات بیشتری از رساله محمد غزالی مطرح شده و در منطق‌الطیر با یک تشبیه، به مبحث استفاده از آرایه ادبی پا گذاشته است. در این رساله، طیران ناامید به مرده تشبیه شده‌اند. در رساله مقدسی، با استفاده از گشتار کمی کاهش از نوع برش، درضمن اشاره به درخواست مجدد طیران، از ناامیدی طیران و ناتوانی ایشان برای بازگشت سخن رفته است.

پی‌رفت درخواست مجدد طیران در رساله محمد غزالی تنها با اشاره به عدم توش و توان طیران پیش رفته است. در رساله احمد غزالی، طیران به بی‌نیازی سیمرخ و نیاز خویش اشاره کرده، درضمن آن درخواست خویش را مکرر اظهار می‌کنند. در رساله عطار، تحولی کیفی از نوع دگرارزشی مطرح می‌شود؛ زیرا طیران درخواست خویش را به‌شکلی دیگر مطرح می‌کنند و در مقایسه با رساله‌های پیش از عطار، بدعت خاصی در کلام طیران قابل مشاهده است. در رساله مقدسی هم، همان مضمونی که احمد غزالی بیان کرده است، دیده می‌شود. تفاوت رساله غزالی‌ها با رساله مقدسی در این بخش آن است که احمد و محمد غزالی این بخش از کلام خویش را به شعر مزین کرده و اتقان

بخشیده‌اند؛ اما در رساله مقدسی، این بخش وجود ندارد (گشتار کمی کاهش از نوع حذف).

پی‌رفت پذیرش طیران در رساله‌های غزالی‌ها مشابه یکدیگر است. در منطق‌الطیر، راوی تنها با گفتن اینکه طیران بر مسند قربت و سریر عزت نشستند، پذیرش ایشان را به صورت قطعی بیان می‌کند و هیچ گفت‌وگویی بین چاووش و طیران در نمی‌گیرد (گشتار کمی کاهش از نوع تلخیص). این بخش در رساله مقدسی با بدعت خاصی به تصویر کشیده شده است؛ بدین صورت که ملک طیران را به سه دسته تقسیم می‌کند و به هریک نوشیدنی خاص ایشان را می‌دهد. این نوع از افزایش به صورت افزودن اپیزود/اپیزودهایی به این داستان نمود داشته است.

۱۷. تفسیر انتهایی راوی: این نوع با کنش‌های گفتاری که در جدول ۱۵ آمده، بیان شده است.

جدول ۱۵. انواع کنش در پی‌رفت مشابه هفدهم

عنوان رساله	نوع کنش‌های گفتاری
قصیده عینیه	D1-D3 R18-R19
رساله‌الطیر ابن سینا	E43-E54 D19-D20
رساله‌الطیر محمد غزالی	D30-D36 R19-R27
رساله‌الطیر احمد غزالی	R37-R47 D31-D41
داستان مرغان چاچی	D4-D6
منطق‌الطیر	D906-D917 R2187-R2213 E251-E252

این پی‌رفت در تمام رساله‌ها، به‌جز رساله‌های غزالی‌ها، کاملاً متفاوت با یکدیگر است. در قصیده عینیه، راوی از مسئله هبوط بحث می‌کند. در رساله‌الطیر

ابن‌سینا، گفت‌وگویی بین وی و دوستانش درباب تصویر جمال ملک درمی‌گیرد. در رساله چاچی، اصلی‌ترین عامل وصول مطرح می‌گردد و در منطق‌الطیر، عطار تفسیری درضمن استرحام بیان می‌کند.

در جدول زیر مشخص شده که افزایش و کاهش در پی‌رفت روایات رساله‌الطیرها بنابه چه عواملی و با چه میزان بسامد و درصد صورت گرفته است.

جدول ۱۶. انواع گشتارها در رساله‌الطیرها

رساله‌الطیر مربوط	درصد	بسامد	نوع گشتارها	
منطق‌الطیر	۲/۹۴	۱	توصیف	افزایش کمی
منطق‌الطیر، رساله چاچی، رساله احمد غزالی، کشف‌الاسرار	۱۱/۷۶	۴	گفت‌وگوسازی	
منطق‌الطیر، عقل سرخ، کشف‌الاسرار، رساله احمد غزالی، رساله چاچی	۲۰/۵۸	۷	تفصیل جزئیات	
منطق‌الطیر	۲/۹۴	۱	پرداخت شخصیت - های کمکی	
عقل سرخ، منطق‌الطیر، کشف‌الاسرار	۱۱/۷۶	۴	افزایش اپیزودهای کنش محور	
رساله احمد غزالی	۸/۸۲	۳	اتقان کلام با تلمیح به آیات قرآن	
منطق‌الطیر، رساله احمد غزالی	۱۴/۷۰	۵	افزودن آرایه	
کشف‌الاسرار، رساله چاچی، منطق‌الطیر	۱۱/۷۶	۴	تراش (حذف)	

کاهش	تلخیص	۴	۱۱/۷۶	منطق‌الطیر، رساله‌ عین - القضات، کشف‌الاسرار	
	برش (در حوزه مضمون)	۱	۲/۹۴	رساله‌ عین‌القضات	
مجموع		۳۴			
کاربرد	ارزش	دگرارزشی	۳	۶۰	منطق‌الطیر و کشف - الاسرار
		ارزش‌گذاری مکرر	۱	۲۰	کشف‌الاسرار
	کیفی	درونی	۱	۲۰	منطق‌الطیر
مجموع		۵			

طبق جدول بالا، بیشترین کاربرد گشتارها در رساله‌الطی‌ها گشتارهای کمی از نوع افزایش است؛ یعنی هرچه از متقدم‌ترین رساله‌ها به سمت رساله‌های متأخر پیش می‌آییم، مباحث به‌لحاظ کمی افزایش می‌یابد و گسترده‌تر مطرح می‌شود. در این افزایش نیز، تنها اثری که بیشترین گشتارها را در خود جای داده، منطق‌الطیر عطار است؛ در واقع این اثر در قیاس با آثار پیش از خود به‌لحاظ کمی نیز مبسوط‌تر به طرح مبحث سفر طیران پرداخته است. بیشترین عاملی هم که باعث گشتار افزایش شده، شرح و تفصیل جزئیات است؛ به عبارتی نویسندگان رساله‌الطی‌های متأخر اصل پی‌رنگ را از رساله‌های متقدم دریافت کرده، اما با افزودن جزئیاتی به آن، متن را گسترش داده‌اند. اگر راوی سعی کند با جزئی‌نگری به بیان دقیق رویدادها بپردازد، از شیوه دید دانای کل نمایشی^{۳۳} بهره برده است. در شرح مبسوط، مخاطب صحنه‌ها را راحت‌تر و بهتر در ذهن خود مجسم می‌کند و این در برقراری ارتباط میان مخاطب و داستان بسیار مؤثر است.

در بررسی رساله‌الطی‌ها، جز قصیده عینیه که پی‌رفت‌های مشابه بسیار اندکی با سایر رساله‌الطی‌ها داشت، رساله‌الطی‌های ابن‌سینا و محمدغزالی با دو

ساختار متفاوت، پیش‌متن فرض شده‌اند. رساله‌ احمد غزالی ترجمه کامل رساله محمد غزالی است، جز اینکه در بعضی از پی‌رفتها به طرح جزئیات بیشتری می‌پردازد. رساله‌های چاچی، عین‌الفضات، منطق‌الطیر و کشف‌الاسرار طرح کلی اثر را از رساله محمد غزالی دریافت کرده‌اند؛ اما با ایجاد تغییراتی در پی‌رفتها توانسته‌اند اثر خویش را از تقلید و برگرفتگی کلی نجات دهند و صاحب بدعت‌هایی در ساختار روایی آثارشان شوند. رساله سهروردی در قسمت‌های آغازین، بسیار شبیه رساله ابن‌سیناست؛ اما سهروردی نیز در این اثر با کاربرد پی‌رفتهایی متفاوت توانسته اثری در نوع خود بدیع خلق کند.

۴. نتیجه

در این مقاله، با فرض اینکه رابطه رساله‌الطیرهای فارسی و عربی بیش‌متنی است و رساله‌های متأخر تحت تأثیر رساله‌های متقدم نوشته شده‌اند، به بررسی روایی رساله‌الطیرها از منظر بیش‌متنیت ژنت و کنش گفتار سرل پرداختیم. برای این منظور، هر رساله را به پی‌رفتها، گزاره‌ها و رمزگان کنش‌های گفتاری تقسیم کردیم. از این منظر، دانستیم که بیشترین بسامد کاربرد گزاره‌ها در رساله‌الطیرها به ترتیب مربوط به گزاره‌های تصریحی، ترغیبی، اعلانی، عاطفی و تعهدی است. عامل مهم استفاده بیش از حد راویان از گزاره‌های تصریحی و ترغیبی، مضمون تعلیمی این آثار است. در آثار تعلیمی، نویسنده به دنبال تصریح و اظهار مطالب ارشادی یا ترغیب روایت‌شنو به شنیدن یا خواندن مباحث تعلیمی خویش است.

در این رساله‌ها، هفده پی‌رفت مشابه استخراج شد: تحمیدیه؛ آمدن صیادان، اسارت و آزادی طیران؛ اجتماع طیران برای یافتن پادشاه و اتفاق نظر ایشان؛ جستن آشیانه سیمرغ؛ انذار منادی به طیران؛ توصیف مسیر سفر؛ اشتیاق طیران و حرکت ایشان به سوی سیمرغ؛ هلاکت تمامی / تعدادی از طیران؛ رسیدن

تمامی / تعدادی از طیران به بارگاه و فرایند پرسش و پاسخ بارگاه با طیران / گفت و گوی طیران با بارگاه؛ عدم پذیرش طیران از سوی بارگاه؛ ناامیدی طیران در پی عدم پذیرش از سوی بارگاه، درخواست مجدد طیران برای پذیرش و پذیرش طیران از سوی بارگاه؛ و تفسیر انتهایی راوی.

بیشترین کاربرد گشتارها در رساله‌الطی‌ها، گشتار کمی از نوع افزایش است؛ یعنی هرچه از پیش‌متن‌ها به سمت متون متأخر می‌آییم، مباحث با بسط بیشتری مطرح می‌شوند. در این میان، تنها اثری که بیشترین گشتارها را در خود جای داده، *منطق‌الطیر* است. بیشترین عاملی نیز که باعث افزایش گشتاری شده، شرح و تفصیل جزئیات است. در شرح مبسوط، با توجه به تجسم بهتر و راحت‌تر صحنه‌ها در ذهن مخاطب، برقراری ارتباط میان مخاطب و داستان مؤثرتر است. در *قصیده عینیه*، پی‌رفت‌های مشابه اندکی وجود دارد و رساله‌های ابن‌سینا و محمدغزالی با دو ساختار متفاوت به‌عنوان پیش‌متن فرض شدند. رساله احمدغزالی ترجمه مفصل رساله برادرش محمد غزالی است. در نهایت رساله چاچی، *عین‌القضات*، *منطق‌الطیر* و *کشف‌الاسرار*، طرح و پی‌رنگ کلی خود را از رساله محمد غزالی گرفته‌اند؛ اما با تغییرات کلی / جزئی در متن، رساله خویش را از گرفتاری در سیطره تقلید نجات داده و صاحب بدعت‌هایی در طرح مضمون سفر طیران بوده‌اند. رساله سهروردی بسیار شبیه رساله ابن‌سیناست؛ اما در *عقل سرخ* پی‌رفت‌های بدیعی وجود دارد که آن را اثری متفاوت جلوه می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. hypertextuality
2. Gerard Genette
3. John Searle
4. transtextualite
5. intertextuality

6. paratextuality
7. metatextuality
8. architextuality
9. hypotexte
10. hypertexte
11. transformation
12. quantitative transformation
13. pragmatic transformation
14. excision
15. concision
16. digest
17. extension
18. expansion
19. amplification
20. transvultion
21. transmotation
22. transmodalization
23. revaluation
24. devaluation
25. transvaluation
26. intermodalization
27. intelmodalization
28. evitarra
29. citamar
30. Astin
31. logical positivism
32. positivists
33. locutionary act
34. illocutionary act
35. prelocutionary art
36. performative
37. representative acts or assertive
38. directive acts
39. expressive acts
40. commissive acts
41. declaration acts
42. J. Vershueren
43. dramatic omniscient

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم حسین انصاریان. چ ۲. تهران: تلاوت.
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: علمی.
- پایا، علی (۱۳۸۳). فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم‌اندازها. چ ۲. تهران: طرح نو.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۳۵). داستان مرغان (متن فارسی رساله الطیرخواجه احمد غزالی). تهران: انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۴). رمز و داستان‌های رمزی. تهران: علمی و فرهنگی.
- چاچی خمرکی، ابوالرجاء (۱۳۵۹). روضة الفریقین. به اهتمام عبدالحی حبیبی. تهران: دانشگاه تهران.
- چاوشیان، حسن (۱۳۸۷). «زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان». مجله ادب پژوهی. ۲. ش ۴. صص ۱۳۱۱۷-۱۳۹.
- خیاطیان، قدرت‌الله (۱۳۷۹). سیری در رساله الطیرها و منطق الطیرهای فیلسوفان و عارفان. سمنان: دانشگاه سمنان.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۶۱). اسرارالحکم. به کوشش ح. م. فرزاد. تهران: مولی.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۸۲). مجموعه مصنفات. تصحیح، تحشیه و مقدمه سیدحسین نصر. ج ۳. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- عطار، فریدالدین (۱۳۸۸). منطق الطیر. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چ ۶. تهران: سخن.
- مقدسی، عزالدین (۶۷۸ق). کشف الاسرار فی حکم الطیور و الازهار. قاهره: دارالاعتصام.
- همدانی، عین‌القضات (۱۳۶۲). نامه‌ها. علینقی منزوی و عقیف عسیران، ج ۱. چ ۲. تهران: کتاب‌فروشی منوچهری.
- Allen, G. (2001). *Intertextuality*. London: Routledge.
- Botha, J.E. (1991). *Speech Art Theory & New Testament Exegesis*. HTS, 47/2.

- Genette, G . (1997). *Palimpsests: Literature in Second Degree*. Trans Channanewman & Calude Doubinsky. Lincoln: University of Nebraska press.
- Green, K. & J. LeBihan (1991). *Critical Theory and Practice: A Course Book*. London & New York: Routledge.
- Levinson, S.C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searl, J. & P. Simpson (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Verschueren, J. (2003). *Understanding Pragmatics*. Arnold: London.

An Investigation of Borrowing in the Narrative of Persian and Arabic Risalat Al-Teyrs: A Link between Searle's Speech Act Theory and Genette's Hypertextuality

Samira Shafiee^{1*}

1. Ph.D of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Irav

Received: 17/07/2019

Accepted: 28/10/2019

Abstract

Risalat Al-Teyrs are narrative texts with the mystical content and the mystic allegory language. It is obvious that Risalat Al-Teyrs, with little addition and removal, change and transposition, are affected by each other. Among the Persian and Arabic Risalat Al-Tayrs, the present study aims to see which one is borrowed from the other, and in terms of narratology, how is it possible to investigate the effect and influence of these works relying on Searle's speech act theory and Genette's Hypertextuality borrowing an analytical -descriptive research method. The study seeks to investigate the intertextuality link of Persian and Arabic Risalat Al-Tayrs. It is hypothesized that these texts are Hypertextual and the newer narrators were consciously affected from the previous ones. In order to investigate the hypothesis, these works are analyzed at the level of sequence and predicate and then similar sequences are determined. Next, each predicate is shown with abbreviation, and at the end, these Risalats are described in terms of structure and content of these sequences, similarities, and differences. Results indicate that excessive use of affirmative and encouraging sentences is in line with the affirmation and expression of guidance or encouraging the reader towards the educational issues. Considering 17 similar sequences in these works, it is found that except the Ghasideh Eyniyeh that has few similar sequence compared to other Risalats, Ibne-Sina and Mohammad Ghazzali's Risalat Al-Teyrs and Mohammad Ghazzali, with two different structure, are considered as pretext. Ahmad Ghazzali's Risalat Al-Teyrs describes more details compared to Mohammad Ghazzali's Risalats. Risalats of Chachi, Eynol-Ghozat, Mantegho-Tayr, and Kashfol-Asrar have followed the Risalat of Mohammad Ghazzali, but through embedding the changes in the sequence, have saved their works from general imitation, thus creating innovation in their works. The Risalat of Sohrevaridi is so similar to the Ibn-Sina's in the first part, but Sohrevaridi has used different sequences to create new work.

Key words: Borrwoing, Narrative, Risalat Al-Teyrs, Speech Act, Hypertextuality, Searle, Genette.

* Corresponding Author's E-mail shafiee.mjs@gmail.com

